



مدد حقوق



شاپا چاپی: ۱۸۴۱-۲۷۸۳
شاپای الکترونیکی: ۱۹۲۲-۲۷۸۳

دوره ۸ - شماره ۲۵ - پاییز ۱۴۰۴

امکان‌سنجی تحقق جنایت علیه بشریت از رهگذر تحریم‌های اقتصادی یکجانبه آمریکا علیه ایران
 همایون مافی، مرتضی پورعزیز
 بررسی قراردادهای هوشمند مبتنی بر بلاکچین از منظر کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا
 آریا ابراهیمی، سبحان طیبی
 هوش مصنوعی و نظام حقوق کیفری: تحلیل مسئولیت‌ها و پیامدها
 هادی جمشیدی فر، مهدی جعفریان، رقیه جعفریان
 تحول دادرسی کیفری در پرتو عدالت دیجیتال: کارکرد هم‌افزایانه فناوری‌های نوپهور
 سیدعلیرضا میرکمالی، سیدمصطفی حسینی دستجردی
 وضعیت حقوقی اختراع مشترک و میزان مالکیت و نحوه تصرف مخترعین در آن
 سعید مولوی، نرجس دربانی چلچله
 تعهدات قراردادی در تجارت الکترونیک فرامرزی و چالش‌های اجرای آن در داوری بین‌المللی با تأکید بر معاهدات بین‌المللی
 احسانه وثوقی منفرد، محمدعلی کفایی فر
 تحلیلی بر دخالت نظریه‌های اخلاقی در حقوق کیفری
 ایرج مروتی، سعید احمدی، نگین بهادری جهرمی
 لزوم جرم‌انگاری نگهداری ماینر در ایران (مطالعه تطبیقی)
 مهدی رجائیان، شادی چگینی
 ارتباط کرامت انسانی و اهداف مجازات‌ها در حقوق کیفری
 امیرحسین ابوالحسینی، ستار فخرایی، زینب قادری
 واکاوی مفهوم «احق بالولد» در روایات امامیه: نقدی بر انگاره «حضانت» در فقه و حقوق خانواده
 حجت‌اله دهقانی
 سامانه جامع حقوقی شرکت ملی نفت ایران «سحن»: تحولی راهبردی در حکمرانی حقوقی هوشمند صنعت نفت ایران
 سیدحجت‌الله علم‌الهدی، محمد مهدی اسدی
 اصول اساسی بیمه و نتایج آن بر قصد اضرار
 محمد کمالی، محمدعلی جهانی، حمیدرضا سلیمی
 واکاوی علل بزه‌کاری اطفال و نوجوانان در حقوق کیفری ایران
 سیداحمد پیروندیزی، امیررضا محمودی
 بررسی اعتبار و قابلیت استناد ابزارهای ارتباطی نوین در فرایند اثبات جرم در نظام حقوقی ایران
 علیرضا باقری حسن‌آبادی
 مسئولیت کیفری سردفتران اسناد رسمی: تحلیل چالش‌های قانونی و راهکارهای پیشگیرانه در نظام ثبتی ایران
 ایوب رحیمی
 مفهوم منفعت عمومی در پرتو فایده‌گرایی جان استوارت میل و مقایسه آن با اندیشه جرمی بنتام
 احمدرضا سلطانیان
 مسئولیت مدنی در قبال ربات‌ها و هوش مصنوعی: چالش‌ها و راهکارهای حقوقی در عصر فناوری‌های نوین
 جیران ابراهیمی
 سیاست‌گذاری حمایت مدار در قبال بزه دیدگی زنان در خانواده با تأکید بر تحولات جدید
 محبوبه طالبی رستمی
 تأثیر روانشناسی جنایی در ارتکاب جرم در حقوق ایران و فرانسه
 وحید کیومرثی
 مسئولیت دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشر توسط شرکت‌های امنیتی خصوصی در مأموریت‌های خارجی
 مهدی قره‌داغی، مسعود سرفرازی صالح
 مطالعه فقهی و حقوقی شرط بازگشت موقوفه به ملک واقف
 حبیب‌الله عبدالله پور، حمیدرضا نام‌آور
 تحلیلی بر جنایت‌های محیط زیستی تجاوز ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران
 جواد چراغی
 تحلیل حقوقی نقش مشاوران املاک در حفظ حقوق مالکیت زمین و چالش‌های اجرایی آن در ایران
 محمد احمدی
 مقابله دادگاه کیفری بین‌المللی با گسترش جنایت داعش
 جواد دشتیان
 قابل استناد بودن کنوانسیون نیویورک در داوری تجاری بین‌المللی ایران و موافقتنامه داوری با تأکید بر مفهوم تجاری
 علی باباپور همراهلو، پویا بنی‌هاشم
 مالکیت و بهره‌برداری از آب‌ها در نظام حقوقی ایران
 احمد پدیدار، یاسر صیادپور
 حق فراموش شدن و آثار آن بر روابط قراردادی در بلاکچین‌های عمومی: تحلیل تطبیقی حریم خصوصی داده‌ها در حقوق ایران و اروپا
 عارفه قاسم زاده ده‌آبادی
 بررسی ماهیت حقوقی قرارداد ساخت، اجاره و انتقال (بی.ال.تی)
 علی زارعی جلال‌آبادی
 نقش وکیل در تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری
 علیرضا درائی
 شناسایی و اولویت‌بندی عوامل سیاسی-اجتماعی موثر بر تکی‌گری در زاهدان
 محمدکمال دادرسی
 مسئولیت مدنی دولت نسبت به خسارات ناشی از اطلاع دادرسی
 علی فراحی
 تأثیر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دولت‌ها بر آزادی قراردادی در بازارهای خصوصی
 رامهر رحمانی گل‌افشان
 مروری تاریخی بر جرم‌انگاری در قبال جرائم نیروهای مسلح
 یاسر شاکری



Contractual Obligations in Cross-Border E-Commerce and the Challenges of Their Enforcement in International Arbitration with Emphasis on International Treaties

Ehsaneh Vosoughi Monfared

Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Literature and Humanities, Shahrekord University, Shahrekord, Iran (Corresponding Author)

Mohammad Ali Kefaei Far

Master of Science in Private Law, Faculty of Literature and Humanities, Shahrekord University, Shahrekord, Iran

تعهدات قراردادی در تجارت الکترونیک فرامرزی و چالش‌های اجرای آن در داوری بین‌المللی با تأکید بر معاهدات بین‌المللی

احسانه وثوقی منفرد

دانشجوی دکتری حقوق عمومی، گروه حقوق عمومی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول)

vosoughehsaneh@gmail.com

http://orcid.org/0009-0000-3643-6306

محمدعلی کفای‌فار

استادیار گروه حقوق بین‌الملل عمومی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران
ma.kafaeifar@gmail.com

Abstract

With the increasing expansion of e-commerce in the international arena, cross-border commercial contracts have created a new form of legal relations that are concluded in cyberspace without the need for the physical presence of the parties. Meanwhile, contractual obligations in such transactions face special challenges in the field of verifying the will of the parties, determining the governing law, and the method of enforcing decisions. The main issue of the current research is: How can contractual obligations in cross-border e-commerce be effectively enforced in international arbitration, and what is the role of international treaties in this field? The aim of this research is to investigate the legal and executive dimensions of obligations arising from electronic contracts in the context of international arbitration and to analyze the impact of international documents such as the New York Convention of 1958, the UNCITRAL Model Law on International Commercial Arbitration (1985 and subsequent amendments), and the Budapest Convention on Cybercrime on the implementation of these obligations. The research method is descriptive-analytical and based on library study and comparative analysis of international legal systems. The research findings show that although the existing international frameworks to some extent guarantee the enforcement of arbitration awards in the field of traditional commerce, in the field of cross-border e-commerce, issues such as digital identity verification, electronic signature, place of conclusion of the contract, and validity of digital documents, cause ambiguity in the effective implementation of obligations. The innovation of this research is in explaining the relationship between the rules of e-commerce law and international arbitration mechanisms simultaneously, and providing suggestions for amending and harmonizing international regulations in the field of enforcement of arbitration awards related to electronic contracts. The result of the research indicates that the realization of effective enforcement of contractual obligations in cross-border e-commerce requires the development of special rules for electronic arbitration, the recognition of digital signatures at the international level, and the amendment of existing treaties in accordance with the requirements of new technologies.

Keywords: E-Commerce, Contractual Obligations, International Treaties, International Arbitration.

چکیده

با گسترش روزافزون تجارت الکترونیک در عرصه بین‌المللی، قراردادهای تجاری فرامرزی شکل تازه‌ای از روابط حقوقی را ایجاد کرده‌اند که در بستر فضای مجازی و بدون نیاز به حضور فیزیکی طرفین منعقد می‌شوند. در این میان، تعهدات قراردادی در چنین معاملاتی با چالش‌های ویژه‌ای در زمینه احراز اراده طرفین، تعیین قانون حاکم و شیوه اجرای تصمیمات مواجه است. مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که چگونه می‌توان تعهدات قراردادی در تجارت الکترونیک فرامرزی را در داوری بین‌المللی به نحوی مؤثر اجرا کرد و نقش معاهدات بین‌المللی در این زمینه چیست؟ هدف این پژوهش، بررسی ابعاد حقوقی و اجرایی تعهدات ناشی از قراردادهای الکترونیکی در بستر داوری بین‌المللی و تحلیل تأثیر اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ میلادی، قانون نمونه آنستیرال در داوری تجاری بین‌المللی (۱۹۸۵ میلادی و اصلاحات بعدی) و کنوانسیون بوداپست درباره جرائم سایبری بر اجرای این تعهدات است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل تطبیقی نظام‌های حقوقی بین‌المللی می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که اگرچه چهارچوب‌های بین‌المللی موجود تا حدی اجرای آرای داوری در حوزه تجارت سنتی را تضمین می‌کنند، اما در فضای تجارت الکترونیک فرامرزی، مسائلی چون احراز هویت دیجیتال، امضای الکترونیکی، محل انعقاد قرارداد و اعتبار اسناد دیجیتال موجب ابهام در اجرای مؤثر تعهدات می‌شود. نوآوری این پژوهش در تبیین هم‌زمان رابطه میان قواعد حقوق تجارت الکترونیک و مکانیزم‌های داوری بین‌المللی و ارائه پیشنهادهایی برای اصلاح و هماهنگی مقررات بین‌المللی در زمینه اجرای آرای داوری مرتبط با قراردادهای الکترونیکی است. نتیجه پژوهش حاکی از آن است که تحقق اجرای مؤثر تعهدات قراردادی در تجارت الکترونیک فرامرزی مستلزم تدوین قواعد ویژه داوری الکترونیکی، شناسایی امضای دیجیتال در سطح بین‌المللی و اصلاح معاهدات موجود متناسب با الزامات فناوری‌های نوین است.

واژگان کلیدی: تجارت الکترونیک، تعهدات قراردادی، معاهدات بین‌المللی، داوری بین‌المللی.

Received: 2025/10/13 - Review: 2025/11/01 - Accepted: 2025/12/16

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۰/۱۳ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۰۱ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۱۶

ارجاع:

و ثوقی منفرد، احسانه؛ کفایبی فر، محمدعلی؛ (۱۴۰۴)، تعهدات قراردادی در تجارت الکترونیک فرامرزی و چالش‌های اجرای آن در داوری بین‌المللی با تأکید بر معاهدات بین‌المللی، تمدن حقوقی، شماره ۲۵.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

در دهه‌های اخیر، توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات موجب تحول بنیادینی در عرصه تجارت بین‌المللی شده است. ظهور و گسترش تجارت الکترونیک فرامرزی به‌عنوان یکی از نمودهای بارز این تحول، شکل سنتی معاملات تجاری را دگرگون ساخته و بستر جدیدی را برای انعقاد قراردادهای، تبادل کالا و خدمات و پرداخت‌های بین‌المللی فراهم آورده است. در این نوع از تجارت، تعاملات میان طرفین عمدتاً از طریق بسترهای دیجیتال و بدون نیاز به حضور فیزیکی انجام می‌شود. همین ویژگی باعث شده است که تعهدات قراردادی در فضای مجازی با پیچیدگی‌هایی همراه گردد که در معاملات سنتی کمتر مشاهده می‌شود.

در تجارت الکترونیک فرامرزی، تعهدات طرفین شامل پرداخت ثمن، تحویل کالا یا خدمات، حفظ امنیت داده‌ها، رعایت حقوق مصرف‌کننده و اجرای به‌موقع قرارداد است. با این حال، چالش‌های متعددی در زمینه احراز اراده واقعی طرفین، اعتبار امضای الکترونیکی، تعیین قانون حاکم، صلاحیت مراجع داوری و اجرای آرای داوری صادره در کشورهای مختلف پدید آمده است. از سوی دیگر، داوری بین‌المللی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شیوه‌های حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی، در فضای تجارت الکترونیکی نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ اما ماهیت غیرمادی و فرامرزی این نوع قراردادهای، اجرای تعهدات قراردادی و آرای داوری را با چالش‌های خاصی مواجه می‌سازد.

پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که در تجارت الکترونیک فرامرزی، چه چالش‌هایی در زمینه اجرای تعهدات قراردادی در فرایند داوری بین‌المللی وجود دارد و معاهدات بین‌المللی تا چه اندازه توانسته‌اند این چالش‌ها را برطرف کنند؟ هدف از انجام این پژوهش، بررسی دقیق ابعاد حقوقی تعهدات قراردادی در قراردادهای الکترونیکی بین‌المللی و تحلیل نقش و کارآمدی معاهدات و اسناد بین‌المللی نظیر کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ میلادی درباره‌شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی، قانون نمونه آنسیترال در داوری تجاری بین‌المللی و قواعد آنسیترال در تجارت الکترونیک است. همچنین، پژوهش حاضر در پی آن است که با ارائه راهکارهایی برای بهبود هماهنگی میان قواعد تجارت الکترونیک و سازوکارهای داوری بین‌المللی، زمینه اجرای مؤثرتر تعهدات قراردادی را فراهم آورد. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی است و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و منابع اسنادی به تحلیل تطبیقی مقررات بین‌المللی و نظام‌های حقوقی مختلف در زمینه تجارت الکترونیک و داوری پرداخته می‌شود.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه اسناد بین‌المللی موجود مانند کنوانسیون نیویورک و قانون نمونه آنسیترال چهارچوب نسبتاً کارآمدی برای شناسایی و اجرای آرای داوری در حوزه تجارت سنتی فراهم کرده‌اند، اما در فضای تجارت الکترونیکی، این چهارچوب‌ها پاسخگوی همه مسائل جدید نیستند. موضوعاتی مانند احراز هویت دیجیتال، تعیین محل انعقاد قرارداد الکترونیکی، اعتبار اسناد دیجیتال، امنیت داده‌ها و قابلیت استناد به پیام‌های الکترونیکی در داوری بین‌المللی از جمله مواردی هستند که نیازمند تفسیر یا تدوین قواعد جدید در سطح بین‌المللی‌اند. جنبه نوآوری این پژوهش در بررسی تلفیقی میان نظام حقوق تجارت الکترونیک و داوری بین‌المللی و تحلیل نقش معاهدات جهانی در تنظیم روابط قراردادی دیجیتال است. این پژوهش تلاش دارد تا از منظر تطبیقی، خلأهای موجود در نظام‌های داوری و معاهدات بین‌المللی نسبت به الزامات فنی و حقوقی تجارت الکترونیک را آشکار سازد و پیشنهادهایی برای اصلاح یا تکمیل مقررات موجود ارائه دهد.

نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که برای تحقق اجرای مؤثر تعهدات قراردادی در تجارت الکترونیک فرامرزی، باید قواعد داوری الکترونیکی مستقل تدوین و اعتبار جهانی امضای دیجیتال و شناسایی ادله الکترونیکی تضمین شود. همچنین، لازم است معاهدات بین‌المللی موجود با توجه به تحولات فناوری و نیازهای تجارت دیجیتال به‌روزرسانی شوند تا اجرای آرای داوری در دعاوی ناشی از قراردادهای

الکترونیکی، با موانع حقوقی و فنی کمتری مواجه گردد. در نهایت، نگارندگان بر این باورند که هماهنگی میان حقوق بین‌الملل، فناوری و داوری تجاری شرط اساسی تحقق اعتماد و امنیت حقوقی در تجارت الکترونیک فرامرزی است؛ امری که در نهایت موجب تقویت همکاری‌های اقتصادی جهانی و توسعه پایدار تجارت دیجیتال خواهد شد.

۱- مفهوم تعهدات قراردادی در تجارت الکترونیک

تعهدات قراردادی در تجارت الکترونیک، یکی از بنیادی‌ترین مباحث حقوق تجارت بین‌الملل نوین است که در بستر فناوری اطلاعات و ارتباطات شکل گرفته است. در نظام‌های سنتی حقوق قراردادهای، تعهدات معمولاً بر پایه توافق کتبی یا شفاهی میان طرفین و در فضای فیزیکی تحقق می‌یافت. اما با پیدایش تجارت الکترونیک، نحوه شکل‌گیری، اثبات و اجرای این تعهدات دچار تحولات اساسی شد. در این بستر، داده پیام‌ها، امضاها، دیجیتال و واسطه‌های الکترونیکی جایگزین ابزارهای سنتی انعقاد قرارداد شده‌اند و مفهوم «اراده» و «التزام» در قالب جدیدی تفسیر می‌شود. به بیان دقیق‌تر، تعهد در قرارداد الکترونیکی همانند قرارداد سنتی، الزام حقوقی یک طرف به انجام یا خودداری از انجام امری به نفع طرف دیگر است (کاتوزیان، ۱۴۰۴، ۲۲۱)، اما ویژگی فضای مجازی موجب شده است که ارکان تحقق آن، مانند رضایت، ایجاب و قبول، قالبی الکترونیکی و داده‌محور به خود گیرد.

در قراردادهای الکترونیکی، تعهدات می‌توانند ماهیتی مالی، اطلاعاتی یا فنی داشته باشند. به‌طورمثال، فروشنده متعهد به تحویل کالا یا ارائه خدمت در قالب دیجیتال است و خریدار ملزم به پرداخت ثمن از طریق درگاه‌های امن الکترونیکی می‌باشد. این تعهدات غالباً از طریق سامانه‌های خودکار، الگوریتم‌ها یا حتی قراردادهای هوشمند^۱ اجرا می‌شوند که خود به پرسش‌های حقوقی جدیدی درباره زمان تحقق ایجاب و قبول و احراز قصد انشایی طرفین منجر شده است (Balcerzak et al., 2022, 96). از سوی دیگر، ویژگی بی‌مرز بودن فضای الکترونیکی سبب شده است که تعیین قانون حاکم بر تعهدات قراردادی و صلاحیت قضایی یا داوری، از مهم‌ترین چالش‌های حقوقی در این حوزه باشد.

مطابق ماده ۲ قانون نمونه آنسیترال در تجارت الکترونیکی^۲، داده پیام می‌تواند جایگزین «نوشتار» شود

1- smart contracts

2- UNCITRAL Model Law on Electronic Commerce, 1996

مشروط بر آن که اطلاعات در دسترس و قابل استفاده برای مراجعه بعدی باشد. بر این اساس، ایجاب، قبول و به تبع آن تعهدات ناشی از قرارداد، در قالب پیام‌های الکترونیکی معتبر شناخته می‌شوند. افزون بر آن، کنوانسیون سازمان ملل متحد در خصوص استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین‌المللی ۲۰۰۵ میلادی نیز تصریح می‌کند که اعتبار تعهدات قراردادی نباید صرفاً به دلیل استفاده از قالب الکترونیکی رد شود. بنابراین، اصل بر برابری کارکردی میان اسناد کاغذی و داده پیام‌ها است، مشروط بر این که قابلیت انتساب و اصالت پیام‌ها احراز گردد.

عنصر اراده و رضایت که رکن اساسی تعهدات قراردادی محسوب می‌شود، در فضای الکترونیک به وسیله فناوری‌هایی مانند امضای دیجیتال و گواهی‌نامه‌های الکترونیکی تضمین می‌گردد. امضای دیجیتال، به موجب ماده ۱۰ قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ معادل امضای دستی تلقی می‌شود و در صورت انطباق با شرایط امنیتی و رمزنگاری معتبر، قابلیت استناد در مراجع قضایی و داوری را دارد. این امر نشان می‌دهد که نظام‌های حقوقی ملی نیز به سمت پذیرش ماهیت الکترونیکی تعهدات حرکت کرده‌اند. یکی دیگر از ویژگی‌های تعهدات در تجارت الکترونیک، تعهد به حفظ داده‌ها و محرمانگی اطلاعات است. برخلاف قراردادهای سنتی که محور اصلی آن تبادل کالا و خدمات مادی است، در تجارت الکترونیکی، اطلاعات و داده‌های شخصی بخش جدایی‌ناپذیر از تعهدات قراردادی‌اند. نقض این تعهد، نه تنها تخلف قراردادی، بلکه در بسیاری نظام‌ها نقض حریم خصوصی محسوب می‌شود (Mason, 2016, 64).

از این رو، تعهدات در قراردادهای الکترونیکی اغلب دارای ابعاد چندگانه فنی، امنیتی و اخلاقی‌اند. مسئله زمان و مکان انعقاد قرارداد نیز تأثیر مستقیمی بر تعیین زمان ایجاد تعهدات دارد. در قراردادهای سنتی، زمان و مکان قبول مشخص است، اما در محیط الکترونیکی، پیام‌ها ممکن است با تأخیر ارسال یا دریافت شوند. به موجب ماده ۱۵ قانون نمونه آنستیرال، داده پیام زمانی ارسال شده تلقی می‌شود که از کنترل فرستنده خارج گردد و زمانی دریافت شده محسوب می‌شود که به سامانه اطلاعاتی مخاطب وارد شود. این قاعده، برای تعیین زمان ایجاد تعهد و آغاز مسئولیت‌های قراردادی، اهمیت حیاتی دارد. اسناد متعدد در سطح بین‌المللی تلاش کرده‌اند تا وحدت نظری در مفهوم تعهدات الکترونیکی ایجاد کنند. کنوانسیون رم ۱۹۸۰ میلادی و مقررات بروکسل در اتحادیه اروپا به تعیین قانون حاکم بر تعهدات

قراردادی پرداخته‌اند، اما همچنان در خصوص قراردادهای منعقد از طریق اینترنت، اختلاف نظر وجود دارد. برخی نظام‌ها مانند حقوق ایالات متحده آمریکا بر اصل اراده طرفین در تعیین قانون حاکم تأکید دارند (Coetzee, 2006, 247)، در حالی که برخی دیگر، مانند اتحادیه اروپا، قانون محل اقامت مصرف‌کننده یا فروشنده را ملاک می‌دانند.

در نظر نگارندگان مفهوم تعهدات قراردادی در تجارت الکترونیک، به‌رغم شباهت‌های بنیادین با نظام سنتی دارای ابعاد نوینی است که با تحول در فناوری، پیوسته در حال دگرگونی است. تحقق اراده، احراز اصالت، امنیت داده و اجرای تعهدات از راه دور مؤلفه‌هایی‌اند که این مفهوم را از شکل کلاسیک آن متمایز می‌سازند. از این منظر، توسعه قواعد هماهنگ بین‌المللی برای شناسایی و اجرای این تعهدات، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در تضمین اعتماد و پایداری در تجارت الکترونیک جهانی است.

۲- معاهدات بین‌المللی به‌مثابه ستون‌های حقوقی تجارت الکترونیک فرامرزی

تجارت الکترونیک فرامرزی، به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین جلوه‌های تحول در روابط اقتصادی بین‌المللی، مستلزم وجود چهارچوب‌های حقوقی منسجم و هماهنگ است تا از بروز تعارض میان نظام‌های ملی جلوگیری شود. در این میان، معاهدات بین‌المللی نقشی بنیادین در ایجاد وحدت رویه، تضمین امنیت حقوقی و تسهیل اجرای تعهدات ناشی از قراردادهای الکترونیکی ایفاء می‌کنند. در واقع، این معاهدات به‌مثابه «ستون‌های حقوقی» تجارت الکترونیک جهانی عمل می‌کنند و بستری مشترک برای اعتبار اسناد الکترونیکی، شناسایی امضاهای دیجیتال، حل اختلافات و اجرای آرای داوری فراهم می‌سازند (Lessig, 2009, 58).

یکی از نخستین اسناد بین‌المللی که به‌صورت نظام‌مند به تنظیم روابط الکترونیکی پرداخت، قانون نمونه آنسیترال درباره تجارت الکترونیکی^۳ بود. این قانون با هدف رفع موانع حقوقی استفاده از داده پیام‌ها در مبادلات تجاری و تحقق اصل «برابری کارکردی» میان اسناد کاغذی و دیجیتال تدوین شد. نوآوری این قانون در آن است که به جای بازتعریف مفهوم «نوشتار» یا «امضاء»، شرایطی را برای تحقق کارکرد آن‌ها در قالب الکترونیکی مقرر می‌کند؛ بدین معنا که اگر یک داده پیام امکان ذخیره، دسترسی و

اصالت‌سنجی داشته باشد، از حیث حقوقی همان ارزش سند کاغذی را دارد.^۴

این تحول باعث شد بسیاری از کشورها از جمله ایران در قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲، مفاد این قانون نمونه را اقتباس کنند. در ادامه، قانون نمونه آنستیرال درباره امضاهای الکترونیکی ۲۰۰۱ میلادی تکمیل‌کننده این نظام شد و معیارهای بین‌المللی برای شناسایی امضای دیجیتال معتبر را تعیین کرد. این سند در واکنش به تفاوت‌های موجود میان نظام‌های ملی در پذیرش فناوری‌های امضاء و رمزنگاری، تلاش کرد اعتماد متقابل میان دولت‌ها و مؤسسات را تقویت کند. در حقیقت، این قانون با تفکیک میان «امضای الکترونیکی ساده» و «امضای دیجیتال مطمئن» مبنایی فنی-حقوقی برای احراز هویت و انکارناپذیری معاملات الکترونیکی در سطح جهانی ارائه داد (Blythe, 2005, 243).

گام بعدی در نهاده‌سازی تعهدات الکترونیکی، تصویب کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین‌المللی ۲۰۰۵ میلادی بود. این کنوانسیون که به‌عنوان مکمل کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا^۵ شناخته می‌شود، اصل صحت قراردادهای الکترونیکی را در سطح بین‌المللی تضمین می‌کند. مطابق ماده ۸ این کنوانسیون، صرف استفاده از وسایل الکترونیکی موجب بی‌اعتباری قرارداد نمی‌شود و هرگاه داده پیام قابلیت انتساب به طرف مشخصی را داشته باشد، از حیث اثبات و الزام‌آوری، همان ارزش سند مکتوب را خواهد داشت. بدین ترتیب، کنوانسیون ۲۰۰۵ میلادی جایگاه «اصل اعتماد متقابل الکترونیکی» را در حقوق بین‌الملل خصوصی تحکیم کرده است (Gabriel, 2006, 285).

با وجود این دستاوردها، تجارت الکترونیک فرامرزی بدون نظام مؤثر حل اختلاف و اجرای تعهدات ناقص خواهد بود. در این زمینه، کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ میلادی درباره شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی همچنان ابزار کلیدی اجرای تصمیمات داوری در روابط تجاری بین‌المللی است. هرچند این کنوانسیون در دوران پیش از تجارت دیجیتال تدوین شد، اما تفسیر موسع از مفاهیم «قرارداد کتبی» و «موافقتنامه داوری» موجب شده تا شامل قراردادهای منعقد از طریق ارتباطات الکترونیکی نیز بشود (Born, 2021, 451). افزون بر آن، قانون نمونه آنستیرال در داوری تجاری بین‌المللی ۱۹۸۵ میلادی اصلاحی ۲۰۰۶ میلادی با پذیرش داده پیام به‌عنوان شکل معتبر موافقتنامه

4- UNCITRAL, 1996, Art. 6-7

5- CISG, 1980

داوری، مسیر استفاده از داوری الکترونیکی^۶ را هموار ساخته است.

از دیدگاه نگارندگان، آینده حقوق تجارت الکترونیک بین‌المللی مستلزم گذار از «هماهنگی صوری» به «هماهنگی کارکردی» است؛ به این معنا که معاهدات باید نه صرفاً از نظر الفاظ، بلکه از نظر قابلیت اجرایی در محیط دیجیتال، سازگار و قابل اعتماد باشند. ایجاد سازوکار جهانی برای شناسایی متقابل گواهینامه‌های دیجیتال، پذیرش رسمی قراردادهای هوشمند در معاهدات آنستیرال و اصلاح کنوانسیون نیویورک در جهت شمول صریح بر داوری‌های الکترونیکی می‌تواند ساختار حقوقی تجارت الکترونیک فرامرزی را مستحکم‌تر کند و از پراکندگی حقوقی کنونی جلوگیری نماید.

۳- چالش‌های اجرای تعهدات قراردادی در داوری بین‌المللی

با وجود نقش داوری بین‌المللی به‌عنوان یکی از کارآمدترین شیوه‌های حل و فصل اختلافات تجاری، اجرای تعهدات قراردادی در بستر آن همواره با چالش‌های خاصی روبرو بوده است. ماهیت فرامرزی قراردادهای الکترونیکی، تنوع نظام‌های حقوقی و پیچیدگی در احراز اسناد دیجیتال موجب شده است که اجرای آرای داوری و تعهدات ناشی از آن با موانع حقوقی و فنی متعددی مواجه گردد. در این بخش، مهم‌ترین چالش‌های نظری و عملی اجرای تعهدات قراردادی در داوری بین‌المللی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند.

۳-۱- نقش داوری در حل اختلافات تجارت الکترونیک

داوری به‌عنوان یکی از سازوکارهای بنیادین حل و فصل اختلافات در تجارت بین‌المللی، در بستر تجارت الکترونیک اهمیت ویژه‌ای یافته است؛ زیرا ویژگی‌های فضای دیجیتال از جمله سرعت، بی‌مرزی و تنوع فرهنگی و حقوقی بازیگران حل اختلافات از طریق مراجع قضایی ملی را با دشواری مواجه می‌سازد. در معاملات الکترونیکی که اغلب میان طرفینی از حوزه‌های قضایی متفاوت و بدون تعامل فیزیکی انجام می‌شود، داوری نه تنها به‌عنوان روشی انعطاف‌پذیر و بی‌طرف عمل می‌کند، بلکه زمینه اجرای تعهدات قراردادی در چهارچوبی بین‌المللی و قابل پیش‌بینی را فراهم می‌آورد (Born, 2021, 1112).

در بستر تجارت الکترونیک، اختلافات معمولاً به مسائلی نظیر نقض قرارداد، تأخیر در تحویل کالا یا خدمات دیجیتال، نقض حقوق مالکیت فکری، یا عدم رعایت تعهدات امنیتی و حفظ داده‌ها باز می‌گردد.

ویژگی مشترک همه این اختلافات آن است که ادله و مستندات آن‌ها در قالب داده پیام‌ها و تبادلات دیجیتال ارائه می‌شود، نه اسناد سنتی. از این رو، یکی از کارکردهای اساسی داوری در این حوزه، پذیرش و ارزیابی ادله الکترونیکی است. قانون نمونه آنستیرال در داوری تجاری بین‌المللی ۱۹۸۵ میلادی اصلاحی ۲۰۰۶ میلادی و قواعد داوری آنستیرال^۷ با پذیرش داده پیام‌ها به‌عنوان ادله معتبر، گامی مهم در انطباق داوری با واقعیت‌های دنیای دیجیتال برداشته‌اند.^۸

افزون بر آن، یکی از مزایای داوری در تجارت الکترونیکی، حفظ محرمانگی و امنیت اطلاعات تجاری است. در حالی که دادرسی‌های ملی عموماً علنی و طولانی هستند، داوری امکان رسیدگی خصوصی، سریع و تخصصی را فراهم می‌کند. در اختلافات ناشی از معاملات دیجیتال که غالباً اطلاعات حساس فنی یا داده‌های کاربران در میان است، محرمانگی اهمیت مضاعفی دارد (Lawson, 2019, 204).
 با این حال، تحقق این ویژگی مستلزم آن است که طرفین در موافقتنامه داوری به‌صراحت بر محرمانگی فرایند و نحوه تبادل الکترونیکی اسناد توافق کنند، زیرا در غیر این صورت خطر افشای داده‌ها یا تداخل با مقررات حمایت از داده‌ها مانند مقررات عمومی حفاظت از داده^۹ در اتحادیه اروپا وجود دارد. یکی از تحولات نوین در این زمینه، شکل‌گیری داوری الکترونیکی است که تمام مراحل آن از تشکیل هیئت داوری تا ابلاغ رأی از طریق پلتفرم‌های دیجیتال انجام می‌شود. داوری الکترونیکی، به‌ویژه در اختلافات ناشی از قراردادهای الکترونیکی مصرف‌کننده‌محور، نقش مؤثری در دسترسی سریع و کم‌هزینه به عدالت دارد (Cortés, 2010, 125).

با این حال، چالش‌های متعددی در حوزه اعتبار رأی داوری الکترونیکی و قابلیت اجرای آن در سطح بین‌المللی وجود دارد. کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ میلادی اگرچه مبنای اصلی شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی است، اما در زمان تدوین آن، مفاهیم الکترونیکی وجود نداشت. بنابراین، تفسیر موسع از مفاهیم «موافقتنامه کتبی» در ماده ۲ کنوانسیون برای شمول قراردادهای منعقد شده از طریق داده پیام‌ها ضروری است. برخی مراجع قضایی و داوری بین‌المللی، از جمله دیوان داوری دیوان بین‌المللی کیفری^{۱۰}،

7- UNCITRAL Arbitration Rules, 2013

8- UNCITRAL, 2013, Art. 3

9- GDPR (general data protection regulation)

10- ICC (International Criminal Court)

در آرای خود این رویکرد را پذیرفته‌اند (Born, 2021, 1294).

از دیگر کارکردهای مهم داوری در تجارت الکترونیک، تطبیق‌پذیری با فناوری‌های نوین است. داوران با بهره‌گیری از سامانه‌های رمزنگاری، امضاهای دیجیتال و سامانه‌های احراز هویت، می‌توانند اصالت داده‌ها و اسناد را بدون نیاز به حضور فیزیکی احراز کنند. این قابلیت در مقایسه با دادگاه‌های ملی که معمولاً فاقد ابزار فنی لازمند، مزیتی مهم برای داوری محسوب می‌شود. افزون بر این، نهادهایی چون مرکز داوری سازمان جهانی مالکیت فکری^{۱۱} سازوکارهای تخصصی برای داوری‌های آنلاین در حوزه مالکیت فکری و دامنه‌های اینترنتی طراحی کرده‌اند که به الگوی موفق در داوری دیجیتال تبدیل شده است.^{۱۲} با وجود این مزایا، چالش‌هایی همچون تفاوت در شناسایی امضاهای دیجیتال، تردید در اعتبار آرای صادره از طریق پلتفرم‌های دیجیتال و مشکلات فنی در احراز هویت طرفین همچنان باقی است. برای رفع این موانع، نیاز به توسعه معاهدات بین‌المللی جدید یا اصلاح اسناد موجود، به‌ویژه کنوانسیون نیویورک و قانون نمونه آنستیرال، احساس می‌شود تا با صراحت بیشتر، داوری‌های الکترونیکی و اسناد دیجیتال را دربرگیرند.

از دیدگاه نگارندگان، داوری در حوزه تجارت الکترونیک زمانی می‌تواند به کارکرد واقعی خود برسد که سه شرط اساسی برآورده شود: نخست، پذیرش صریح و هماهنگ اسناد الکترونیکی به‌عنوان مبنای رضایت و ادله در سطح بین‌المللی؛ دوم، توسعه زیرساخت‌های فناورانه امن و مورد اعتماد برای برگزاری داوری‌ها؛ و سوم، اصلاح معاهدات بین‌المللی به گونه‌ای که داوری الکترونیکی از نظر اعتبار و قابلیت اجرا، همسنگ داوری سنتی شناخته شود. تحقق این اهداف، داوری را به ابزار مؤثری برای تضمین امنیت حقوقی و اعتماد متقابل در تجارت الکترونیک فرامرزی تبدیل خواهد کرد.

۳-۲- چالش‌های حقوقی و فنی در داوری

داوری به‌عنوان یکی از ارکان اساسی حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی، به‌رغم کارآمدی و انعطاف‌پذیری، با چالش‌های حقوقی و فنی متعددی مواجه است که گاه ماهیت فرامرزی و دیجیتال روابط تجاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این چالش‌ها در بستر تحولات فناوری و افزایش استفاده از ابزارهای

11- WIPO Arbitration Center

12- WIPO, 2020

الکترونیکی در فرایند داوری، ابعاد تازه‌ای یافته‌اند و ضرورت بازنگری در ساختار سنتی داوری را دوچندان کرده‌اند (Born, 2021, 1183).

از نظر حقوقی، نخستین چالش به اعتبار موافقتنامه داوری مربوط می‌شود. مطابق کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ میلادی و قانون نمونه آنستیرال در داوری تجاری بین‌المللی ۱۹۸۵ میلادی اصلاحی ۲۰۰۶ میلادی، شرط اساسی اعتبار داوری، وجود موافقتنامه کتبی میان طرفین است. با ظهور فناوری‌های ارتباطی، پرسش بنیادین آن است که آیا توافق از طریق داده پیام‌ها، ایمیل یا امضای دیجیتال می‌تواند جایگزین «نوشتار» سنتی شود؟ برخی دادگاه‌ها و مراجع داوری، مانند دیوان داوری دیوان بین‌المللی کیفری، تفسیر موسعی از مفهوم «نوشتار» ارائه داده‌اند و اسناد الکترونیکی را معتبر دانسته‌اند (Born, 2021, 1198)، اما در برخی نظام‌های حقوقی، از جمله کشورهای فاقد قانون تجارت الکترونیکی، همچنان ابهام در پذیرش این نوع توافقات وجود دارد. این ناهمگونی موجب بی‌ثباتی در شناسایی و اجرای آرای داوری در سطح بین‌المللی شده است. چالش دوم به شناسایی و اجرای آرای داوری بازمی‌گردد. اگرچه کنوانسیون نیویورک چهارچوبی جهانی برای اجرای آرای داوری فراهم کرده است، اما در داوری‌های الکترونیکی یا داوری‌هایی که اسناد دیجیتال مبنای تصمیم بوده‌اند، برخی محاکم ملی با استناد به عدم رعایت «تشریفات دادرسی منصفانه» یا تردید در اصالت اسناد، از اجرای رأی خودداری کرده‌اند (Bernal, 2021, 627). این امر نشان می‌دهد که تعامل میان داوری و فناوری هنوز به درجه‌ای از قطعیت حقوقی نرسیده است و نیاز به اصلاح و تبیین صریح‌تر مفاهیم در اسناد بین‌المللی احساس می‌شود.

از جنبه فنی، مهم‌ترین چالش احراز هویت و اصالت اسناد دیجیتال است. در داوری‌های الکترونیکی، تبادل لوایح، اسناد و حتی استماع الکترونیکی از طریق پلتفرم‌های آنلاین انجام می‌شود. در این فرایند، خطر جعل داده‌ها، نفوذ سایبری و دستکاری اسناد وجود دارد که می‌تواند به تردید در صحت ادله یا حتی بی‌اعتباری رأی داوری منجر شود (هاشمی و همکاران، ۱۴۰۱، ۳۳۱). اگرچه استفاده از امضای دیجیتال و رمزنگاری نامتقارن، راهکاری فنی برای تضمین اصالت به شمار می‌آید، اما فقدان نظام جهانی شناسایی گواهینامه‌های دیجیتال مانع از پذیرش یکنواخت آن در فرایند داوری است.

چالش فنی دیگر، مدیریت داده‌ها و امنیت سایبری در فرایند داوری است. هیئت داوری ممکن است به اطلاعات محرمانه تجاری، داده‌های مالی یا مالکیت فکری طرفین دسترسی داشته باشد و هرگونه افشای

ناخواسته یا حمله سایبری می‌تواند آثار جبران‌ناپذیری داشته باشد. به همین دلیل، نهادهایی مانند دیوان بین‌المللی کیفری و دیوان داوری بین‌المللی لندن^{۱۳} در سال‌های اخیر دستورالعمل‌هایی درباره امنیت سایبری در داوری صادر کرده‌اند که داوران و طرفین را ملزم به رعایت استانداردهای رمزنگاری، احراز هویت چندمرحله‌ای و ذخیره امن داده‌ها می‌کند.^{۱۴} با این حال، این دستورالعمل‌ها فاقد ضمانت اجرای الزام‌آورند و اجرای آن‌ها به اراده طرفین واگذار شده است که خود نقطه‌ضعفی ساختاری در نظام داوری محسوب می‌شود. از نظر فرایندی، مسئله تعیین صلاحیت و قانون حاکم نیز چالشی حقوقی و فنی است. در داوری‌های آنلاین، محل داوری^{۱۵} مفهومی انتزاعی پیدا می‌کند، زیرا ارتباط فیزیکی میان طرفین و داور وجود ندارد. در نتیجه، تعیین قانون حاکم بر داوری و آثار رأی، نیازمند بازتعریف در پرتو فضای مجازی است (فقیه میرزائی، ۱۳۹۲، ۱۲۴).

به باور نگارندگان، چالش‌های حقوقی و فنی در داوری نه تنها محصول پیشرفت فناوری بلکه ناشی از کندی تحول حقوق بین‌الملل در انطباق با آن است. برای عبور از این وضعیت، سه راهکار ضروری است: نخست، به‌روزرسانی معاهدات بین‌المللی مانند کنوانسیون نیویورک برای شمول صریح داوری‌های الکترونیکی؛ دوم، تدوین پروتکل‌های الزام‌آور امنیت سایبری برای مراجع داوری بین‌المللی؛ و سوم، ایجاد نظام‌شناسایی متقابل گواهینامه‌های دیجیتال در سطح جهانی. تحقق این موارد، می‌تواند داوری را با واقعیت‌های فنی تجارت الکترونیک همسو کرده و اعتماد به فرایند داوری را در فضای مجازی تقویت کند.

۳-۳- نقش معاهدات بین‌المللی در اجرای آرای داوری

اجرای آرای داوری، نقطه ثقل کارآمدی نظام داوری بین‌المللی است و بدون تضمین اجرای مؤثر آن، تمامی مراحل رسیدگی داوری عملاً بی‌ثمر خواهد بود. در این میان، معاهدات بین‌المللی نقش زیربنایی در تضمین اعتبار، شناسایی و اجرای آرای داوری در سطح جهانی ایفاء می‌کنند. این معاهدات با هدف رفع موانع ملی و ایجاد وحدت رویه در اجرای احکام داوری، به ستون اصلی نظم حقوقی تجارت بین‌المللی تبدیل شده‌اند (فقیه میرزائی، ۱۳۹۲، ۱۲۷). مهم‌ترین این اسناد، کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ میلادی

13- LCIA (The London Court of International Arbitration)

14- ICC, 2021

15- seat of arbitration

درباره‌شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی است که بیش از یکصد وهفتاد کشور به آن پیوسته‌اند و عملاً «قانون اساسی داوری بین‌المللی» محسوب می‌شود.

کنوانسیون نیویورک دو تعهد اصلی برای دولت‌های عضو ایجاد می‌کند: نخست، شناسایی و اعتبار موافقتنامه‌های داوری^{۱۶} و دوم، اجرای آرای داوری خارجی بدون نیاز به تجدید رسیدگی ماهوی.^{۱۷} این کنوانسیون با محدود کردن موارد امتناع از اجرا در ماده ۷، قصد داشته است که اختیار دادگاه‌های ملی در ممانعت از اجرای رأی را به حداقل برساند. معیارهای امتناع، از جمله فقدان موافقتنامه معتبر، نقض دادرسی منصفانه، یا مغایرت اجرای رأی با نظم عمومی، به گونه‌ای طراحی شده‌اند که مانع از تفسیرهای موسع و سلیقه‌ای شوند (Berg, 2017, 33).

بدین ترتیب، این معاهده نه تنها موجب افزایش پیش‌بینی‌پذیری حقوقی شده، بلکه اعتماد فعالان اقتصادی به سازوکار داوری را نیز تقویت کرده است. در کنار کنوانسیون نیویورک، کنوانسیون واشنگتن ۱۹۶۵ میلادی^{۱۸} که به ایجاد دیوان بین‌المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری^{۱۹} انجامید، چهارچوبی ویژه برای اجرای آرای داوری در دعاوی میان دولت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی فراهم کرده است. ویژگی متمایز این کنوانسیون آن است که مطابق ماده ۵۴، آرای صادره از سوی دیوان بین‌المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری همانند احکام قطعی محاکم ملی تلقی می‌شوند و اجرای آن‌ها در قلمرو اعضا نیازی به فرایندشناسایی یا بررسی مجدد ندارد. بدین معنا، دولت‌ها حق اعمال کنترل قضایی بر آرای داوری را از خود سلب کرده‌اند و تنها نهاد صالح برای تجدیدنظر یا ابطال رأی، خود دیوان است (اخباری و قربانیان، ۱۳۹۹، ۱۸۲). این ساختار خودبسنده، الگویی برای استقلال داوری‌های سرمایه‌گذاری در برابر مراجع ملی به شمار می‌رود.

قانون نمونه آنسیترال در داوری تجاری بین‌المللی ۱۹۸۵ میلادی اصلاحی ۲۰۰۶ میلادی نیز از منظر هماهنگ‌سازی حقوق داخلی کشورها نقش اساسی دارد. این قانون در واقع مکمل کنوانسیون نیویورک است و دولت‌ها را تشویق می‌کند تا قواعد ملی خود را با معیارهای جهانی سازگار کنند. بند سی و پنجم

۱۶- ماده ۲

۱۷- ماده ۳

18- ICSID Convention

19- ICSID (International Centre for Settlement of Investment Disputes)

این قانون با تکرار مفاد کنوانسیون نیویورک، مانع از بازنگری ماهوی در رأی می‌شود و صرفاً به بررسی شکل و صلاحیت داوری محدود می‌گردد.^{۲۰}

بسیاری از کشورها از جمله فرانسه، سنگاپور و هنگ کنگ قوانین خود را با این قانون نمونه تطبیق داده‌اند که این امر موجب تسهیل اجرای آرای داوری در نظام‌های مختلف شده است. با وجود این پیشرفت‌ها، چالش‌هایی همچنان باقی است. یکی از مشکلات، تفاوت در تفسیر مفهوم نظم عمومی است که برخی کشورها از آن برای رد اجرای آرای داوری نامطلوب استفاده می‌کنند. همچنین در داوری‌های الکترونیکی یا مبتنی بر قراردادهای هوشمند، پرسش از اعتبار اسناد دیجیتال و شیوه ابلاغ رأی همچنان محل تردید است، زیرا کنوانسیون نیویورک در زمان خود، چنین فناوری‌هایی را پیش‌بینی نکرده بود (مالکی و شیروی، ۱۳۹۹، ۱۶۷). از سوی دیگر، برخی نظام‌ها همچون چین و هندوستان گرایش دارند که کنترل قضایی گسترده‌تری بر اجرای آرای خارجی اعمال کنند که این امر به ناهمگونی در اجرای جهانی منجر می‌شود.

به نظر نگارندگان، تقویت نقش معاهدات بین‌المللی در اجرای آرای داوری مستلزم سه اقدام بنیادین است: نخست، تدوین پروتکل الحاقی به کنوانسیون نیویورک برای شمول صریح داوری‌های الکترونیکی و دیجیتال؛ دوم، ایجاد نهاد هماهنگی بین‌المللی زیر نظر آنستیرال برای تفسیر واحد از مفاهیم کلیدی چون نظم عمومی و دادرسی منصفانه؛ و سوم، گسترش همکاری‌های قضایی میان دولت‌ها برای تضمین اجرای یکنواخت آرای داوری. تحقق این اهداف، ضمن حفظ استقلال داوری، می‌تواند تعادل میان حاکمیت ملی و الزامات نظم حقوقی فراملی را برقرار سازد و به تثبیت داوری به‌عنوان رکن اعتمادپذیر تجارت بین‌المللی بینجامد.

۴- تعامل و هم‌پوشانی معاهدات بین‌المللی در حمایت از تعهدات قراردادی

در عرصه حقوق تجارت بین‌الملل، معاهدات و اسناد چندجانبه نه به‌صورت منفک بلکه در قالب شبکه‌ای منسجم از قواعد و اصول با یکدیگر تعامل دارند. این هم‌پوشانی، به‌ویژه در زمینه حمایت از تعهدات قراردادی، نقشی تعیین‌کننده در تضمین قطعیت و قابلیت اجرای تعهدات ایفاء می‌کند. معاهداتی چون کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ میلادی، کنوانسیون وین ۱۹۸۰ میلادی درباره بیع بین‌المللی کالا^{۲۱}، قانون

20- UNCITRAL, ۲۰۰۶, Art. ۳۵

21- CISG (United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods)

نمونه آنسیترال و کنوانسیون بوداپست درباره جرائم سایبری هریک از زاویه‌ای به تقویت چهارچوب‌های حقوقی اجرای تعهدات کمک می‌کنند. در این بخش، تعامل و هم‌افزایی این معاهدات در حمایت از تعهدات قراردادی و چگونگی هماهنگی میان آن‌ها در نظام داوری و اجرای آرای بین‌المللی مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱- همگرایی معاهدات در حمایت از اجرای قراردادهای الکترونیکی

همگرایی معاهدات بین‌المللی در حمایت از اجرای قراردادهای الکترونیکی، یکی از محورهای اساسی توسعه حقوق تجارت بین‌الملل است که تلاش می‌کند فضای قانونی ناهمگون ملی را با الزامات فناوری و تجارت دیجیتال هماهنگ سازد. قراردادهای الکترونیکی به دلیل ماهیت فرامرزی، سرعت انعقاد و تنوع فناوری مورد استفاده، با چالش‌های متعددی در حوزه اعتبار، اجرای تعهدات و حل اختلاف مواجه هستند. در این زمینه، معاهدات بین‌المللی مانند قانون نمونه آنسیترال در تجارت الکترونیکی^{۲۲}، قانون نمونه آنسیترال در داوری تجاری بین‌المللی ۱۹۸۵ میلادی اصلاحی ۲۰۰۶ میلادی، کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ میلادی و کنوانسیون وین ۱۹۸۰ میلادی درباره بیع بین‌المللی کالا، در تعامل با یکدیگر، چهارچوبی همگرا برای حمایت از تعهدات قراردادی ایجاد کرده‌اند.

قانون نمونه آنسیترال در تجارت الکترونیکی با تعیین معیارهایی برای اعتبار داده پیام‌ها و امضاهای دیجیتال، امکان‌شناسایی اراده طرفین و احراز اصالت قراردادهای الکترونیکی را فراهم کرده است. این قانون با اصل «برابری کارکردی» بین اسناد کاغذی و دیجیتال، زمینه همگرایی با معاهدات قدیمی‌تر^{۲۳} را فراهم می‌آورد، زیرا اصول اساسی قرارداد همچون ایجاب و قبول و تحقق تعهدات، در قالب دیجیتال نیز قابل اعمال است.^{۲۴} در حوزه داوری، قانون نمونه آنسیترال در داوری تجاری بین‌المللی نقش مکمل دارد. این قانون با پذیرش داده پیام‌ها و موافقتنامه‌های الکترونیکی به‌عنوان مبنای توافق داوری، هماهنگی میان فرایند داوری و چهارچوب‌های الکترونیکی را تضمین می‌کند و از تعارض میان نظام‌های ملی جلوگیری

22- UNCITRAL, 1996

۲۳- مانند CISG

24- UNCITRAL, 1996: Art. 6-7

می‌نماید.^{۲۵} اجرای آرای داوری نیز از طریق کنوانسیون نیویورک تسهیل می‌شود؛ این کنوانسیون با محدود کردن موارد امتناع از اجرا، وحدت رویه‌ای را ایجاد کرده که تعهدات ناشی از قراردادهای الکترونیکی را نیز تحت پوشش قرار می‌دهد، به شرطی که اسناد الکترونیکی واجد شرایط قانونی «موافقتنامه کتبی» باشند (Berg, 2017, 33).

کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا نیز در حمایت از اجرای قراردادهای الکترونیکی نقش کلیدی دارد، زیرا با تبیین شرایط تشکیل قرارداد و اجرای تعهدات در معاملات بین‌المللی کالا، زمینه‌ای برای همگرایی با قواعد تجارت الکترونیکی فراهم کرده است. مفاهیمی مانند قبول قرارداد، پیشنهاد و مدت اعتبار پیشنهاد، اگرچه در زمان تصویب کنوانسیون سنتی بوده‌اند، اما با پذیرش انعقاد قرارداد از طریق داده پیام‌ها، قابلیت انطباق با فضای دیجیتال را پیدا کرده‌اند (مافی و همکاران، ۱۳۹۴، ۱۳۰). یکی دیگر از جلوه‌های همگرایی، تعامل میان معاهدات حقوقی و مقررات امنیت داده و امضاهای دیجیتال در سطح ملی و منطقه‌ای است. برای مثال، مقررات احراز هویت دیجیتال^{۲۶} اتحادیه اروپا^{۲۷} با هماهنگ‌سازی معیارهای امضای دیجیتال و خدمات اعتماد، قابلیت اجرای قراردادهای الکترونیکی را در چهارچوب قوانین بین‌المللی تسهیل می‌کند و با اصول آستیرال و بیع بین‌المللی کالا همسو می‌گردد (توکلی و طبایی، ۱۳۹۴، ۱۱۴).

به نظر نگارندگان، همگرایی معاهدات در حوزه قراردادهای الکترونیکی تنها با تطبیق کارکردی میان مقررات ملی و بین‌المللی ممکن است، نه صرفاً با همسان‌سازی لفظی. برای تقویت این همگرایی، لازم است که: اولاً، معاهدات بین‌المللی به صراحت شامل قراردادهای الکترونیکی و ابزارهای نوین مانند قراردادهای هوشمند شوند؛ ثانیاً، سازوکار هماهنگی میان نهادهای داوری و مراجع قضایی ایجاد گردد تا تفسیر یکنواخت مفاهیم کلیدی انجام شود؛ و ثالثاً، استانداردهای فنی مرتبط با اصالت، امنیت و شناسایی دیجیتال به سطح معاهدات بین‌المللی ارتقا یابند. تحقق این رویکرد، اجرای تعهدات قراردادی در فضای تجارت الکترونیک فرامرزی را قابل پیش‌بینی، امن و اثربخش خواهد کرد.

25- UNCITRAL, 2006: Art. 3 & 35

۲۶- مقررات eIDAS (Electronic Identification, Authentication and Trust Services) با هدف ایجاد اعتماد در تعاملات دیجیتال و به رسمیت‌شناسی متقابل هویت‌های الکترونیکی در اتحادیه اروپا تصویب شد. این چهارچوب قانونی از سال ۲۰۱۴ میلادی آغاز شد و اتحادیه اروپا آن را با هدف جایگزینی دستورعمل امضای الکترونیکی ۱۹۹۹ میلادی تدوین کرد.

27- EU Regulation No 2014/910

۴-۲- تعارض و خلأهای موجود

در حوزه تجارت الکترونیک فرامرزی، با وجود توسعه معاهدات بین‌المللی و قوانین نمونه آنستیرال، هنوز تعارض و خلأهای حقوقی قابل توجهی وجود دارد که اجرای تهدات قراردادی و داوری بین‌المللی را پیچیده می‌سازد. یکی از مهم‌ترین این تعارض‌ها ناشی از تفاوت در قوانین ملی درباره اعتبار داده پیام‌ها و امضاهای دیجیتال است. برخی نظام‌ها، همچون ایالات متحده آمریکا و کشورهای عضو اتحادیه اروپا، با پذیرش گسترده امضای دیجیتال و داده پیام به‌عنوان اسناد معتبر، هماهنگی نسبی با اصول آنستیرال برقرار کرده‌اند، درحالی‌که برخی کشورها همچنان شرط وجود سند کتبی سنتی را الزامی می‌دانند (علمی یزدی، ۱۳۹۰، ۲۰۸). این اختلاف باعث ایجاد تردید در شناسایی موافقتنامه‌های داوری و اجرای آرای داوری الکترونیکی می‌شود و ثبات حقوقی مورد انتظار فعالان اقتصادی را کاهش می‌دهد.

یکی دیگر از خلأهای مهم، فقدان هماهنگی در مقررات مربوط به قراردادهای هوشمند و فناوری‌های نوین است. کنوانسیون‌ها و قوانین نمونه موجود، همچون بیع بین‌المللی کالا و آنستیرال، قراردادهای سنتی و داده‌محور را پوشش می‌دهند، اما به‌طور صریح به قراردادهای مبتنی بر بلاک‌چین یا الگوریتم‌های خوداجرا اشاره نکرده‌اند. این امر موجب ایجاد ابهام در تبیین اراده طرفین، زمان تحقق تهدات و مسئولیت در صورت نقض اجرای خودکار می‌شود (Schlechtriem & Petra, 2009, 21). بنابراین، خلأ مقرراتی می‌تواند منجر به اختلاف در نحوه تفسیر و اجرای قراردادهای نوین در دادگاه‌ها و داوری‌های بین‌المللی گردد.

تعارض دیگر مربوط به مفهوم نظم عمومی و محدوده اختیار دادگاه‌های ملی در رد اجرای آرای داوری است. کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ میلادی برای ایجاد وحدت رویه، موارد امتناع از اجرا را محدود کرده است، اما تعریف «نظم عمومی» در هر کشور متفاوت است. برخی محاکم ملی به‌صورت موسع از این مفهوم برای امتناع از اجرای آرای داوری استفاده می‌کنند، به‌ویژه در مواردی که قراردادهای الکترونیکی شامل داده‌های حساس یا فناوری نوین هستند (Berg, 2017, 47). این تفاوت، نه تنها باعث کاهش قطعیت حقوقی می‌شود، بلکه به افزایش هزینه و طول زمان اجرای قراردادها منجر می‌گردد.

فقدان معیارهای بین‌المللی شفاف برای احراز هویت و اصالت اسناد دیجیتال نیز از دیگر خلأها است. هرچند استفاده از امضای دیجیتال و رمزنگاری نامتقارن به‌عنوان راهکار فنی برای تضمین اصالت مطرح شده است، اما نبود استانداردهای جهانی و سازوکارشناسایی متقابل گواهینامه‌های دیجیتال، اجرای آرای

داوری و تعهدات قراردادی را با تردید مواجه می‌کند (قلی‌نیا، ۱۴۰۰، ۴۳). این خلأ به‌ویژه در داوری‌های فرامرزی اهمیت دارد، زیرا طرفین از نظام‌های حقوقی و فنی مختلف بهره می‌برند و اختلاف در ارزیابی اصالت اسناد می‌تواند مانع اجرای رأی شود.

به باور نگارندگان، رفع این تعارض‌ها و خلأها مستلزم یک رویکرد چندسطحی است. نخست، اصلاح و به‌روزرسانی معاهدات بین‌المللی با صراحت شامل قراردادهای دیجیتال و هوشمند. دوم، ایجاد استانداردهای بین‌المللی برای شناسایی و اعتبارسنجی اسناد الکترونیکی و امضاهای دیجیتال. سوم، هماهنگی قضایی و داوری بین‌المللی از طریق راهنمایی‌ها و پروتکل‌های لازم‌الاجرا، تا مفاهیم کلیدی مانند نظم عمومی و دادرسی منصفانه با تفسیر یکنواخت اعمال شود. تحقق این اقدامات، می‌تواند امنیت حقوقی و قابلیت پیش‌بینی در تجارت الکترونیک فرامرزی را افزایش دهد و به کاهش اختلافات و هزینه‌های اجرایی منجر گردد.

۳-۴- پیشنهادها برای ارتقای کارآمدی معاهدات بین‌المللی

برای ارتقای کارآمدی معاهدات بین‌المللی در حوزه تجارت الکترونیک و اجرای تعهدات قراردادی، لازم است نگاهی تحلیلی و چندسطحی به ساختار، دامنه شمول و سازوکارهای عملیاتی این معاهدات داشت. نخست، معاهدات موجود مانند کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ میلادی، قانون نمونه آنستیرال در تجارت الکترونیکی ۱۹۹۶ میلادی و بیع بین‌المللی کالا هریک نقش کلیدی در حمایت از تعهدات قراردادی ایفاء می‌کنند، اما محدودیت‌هایی از نظر شمول فناوری‌های نوین، قراردادهای هوشمند و سازوکارهای دیجیتال دارند (قائم فرد و حیدریان دولت آبادی، ۱۳۹۷، ۲۰۱).

برای ارتقای کارآمدی، پیشنهاد اول شامل به‌روزرسانی متون معاهدات به گونه‌ای است که قراردادهای مبتنی بر داده پیام، بلاک‌چین و قراردادهای خوداجرا را به صراحت دربرگیرد و چهارچوب حقوقی واضحی برای آن‌ها فراهم کند (Fiorentino&Silvia, 2021, 103325). دومین پیشنهاد، توسعه پروتکل‌های هماهنگی و تفسیر واحد میان مراجع قضایی و داوری بین‌المللی است. تجربه نشان داده است که تعارض در تفسیر مفاهیمی همچون «نظم عمومی»، «موافقتنامه کتبی» و «داده پیام معتبر» موجب ناهمگونی در اجرای آرای داوری می‌شود (معین و حسینی، ۱۳۹۴، ۱۴۶). ایجاد پروتکل‌ها یا راهنمایی‌های الزام‌آور از سوی نهادهایی مانند آنستیرال می‌تواند وحدت رویه بیشتری ایجاد کرده و احتمال تفسیرهای سلیقه‌ای را کاهش دهد.

پیشنهاد سوم، ایجاد استانداردهای بین‌المللی برای شناسایی و احراز اصالت اسناد دیجیتال و امضاهای الکترونیکی اهمیت دارد. اگرچه قانون نمونه آنستیرال و مقررات منطقه‌ای مانند احراز هویت دیجیتال اتحادیه اروپا به برخی معیارها اشاره کرده‌اند، اما فقدان یک نظام جهانی شناسایی متقابل، اجرای آرای داوری و تعهدات قراردادی را در فضای فرامرزی پیچیده می‌سازد (قاسمیان اوجی و همکاران، ۱۴۰۳، ۶۴۷). استانداردهای و گواهی‌دهی بین‌المللی می‌تواند اعتماد طرفین و دادگاه‌ها به اسناد دیجیتال را افزایش دهد و از طولانی شدن فرایندهای اجرایی جلوگیری کند.

پیشنهاد چهارم، تقویت مکانیزم‌های نظارت و گزارش‌دهی بین‌المللی از اجرای معاهدات، به‌ویژه در داوری‌های الکترونیکی، ضروری است. ایجاد پایگاه داده مشترک برای ثبت آرای داوری، اطلاعات مربوط به تفسیر مفاهیم کلیدی و مسائل اجرایی، امکان تحلیل روندها و شناسایی مشکلات ساختاری را فراهم می‌آورد. این اقدام می‌تواند به بهبود سیاست‌گذاری‌ها و اصلاح مقررات کمک کند و شفافیت را افزایش دهد (دیبا، ۱۳۹۹، ۲۵۶). پیشنهاد پنجم، ارتباط و هماهنگی میان معاهدات و مقررات ملی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. کشورهای عضو باید با تطبیق قوانین داخلی با اصول و معیارهای معاهدات بین‌المللی، از جمله آنستیرال و بیع بین‌المللی کالا، زمینه اجرای یکنواخت را فراهم کنند. این هماهنگی می‌تواند از ایجاد شکاف‌های حقوقی و تفسیرهای متفاوت جلوگیری کند و امنیت حقوقی طرفین را افزایش دهد.

به نظر نگارندگان، ارتقای کارآمدی معاهدات بین‌المللی مستلزم گذار از سازوکارهای صرفاً لفظی به سازوکارهای کارکردی و عملیاتی است؛ به این معنا که معاهدات نه تنها باید از نظر حقوقی معتبر باشند، بلکه باید قابلیت اجرایی در محیط دیجیتال و تجارت فرامرزی را داشته باشند. هم‌زمان، توسعه استانداردهای فنی، پروتکل‌های تفسیر یکنواخت و هماهنگی میان نظام‌های ملی و بین‌المللی، زیربنای اعتماد طرفین و کاهش اختلافات را فراهم می‌آورد و به تثبیت نقش معاهدات به‌عنوان ستون‌های حقوقی تجارت الکترونیک فرامرزی منجر می‌شود.

نتیجه

با توجه به تحلیل‌های انجام‌شده در مباحث پیشین، پاسخ به سؤال اصلی پژوهش که حول محور «چگونگی نقش معاهدات بین‌المللی در حمایت از تعهدات قراردادی در تجارت الکترونیک فرامرزی و چالش‌های

اجرای آن در داوری بین‌المللی» مطرح شد، می‌تواند در قالب چند محور کلیدی ارائه گردد. نخستین نکته قابل تأکید این است که معاهدات بین‌المللی، به‌ویژه کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ میلادی، کنوانسیون وین ۱۹۸۰ میلادی، قوانین نمونه آنسترال در تجارت الکترونیکی و داوری و مقررات منطقه‌ای نظیر احراز هویت دیجیتال، نقش ستون‌های حقوقی را در تثبیت اعتبار قراردادهای فرامرزی ایفاء می‌کنند و امکان اجرای تعهدات را در سطح بین‌المللی فراهم می‌آورند. این معاهدات با ایجاد وحدت رویه، کاهش تعارض میان نظام‌های ملی و پیش‌بینی‌پذیری حقوقی، اطمینان طرفین قراردادها را افزایش می‌دهند و به‌طور مستقیم بر قابلیت اجرای تعهدات در چهارچوب داوری تأثیر گذارند.

با این حال، تحلیل مباحث نشان داد که چالش‌های حقوقی متعددی بر مسیر اجرای تعهدات قراردادی در داوری بین‌المللی سایه افکنده است. نخستین چالش مربوط به پذیرش و اعتبار موافقتنامه‌های داوری الکترونیکی است. با وجود تفسیر موسع برخی مراجع داوری و دادگاه‌ها از مفهوم «موافقتنامه کتبی» و پذیرش داده پیام‌ها و امضاهای دیجیتال، هنوز در برخی نظام‌های حقوقی، پذیرش اسناد الکترونیکی به‌طور کامل تضمین نشده است. این وضعیت، تعارض میان نظام‌های ملی و خلأ در اجرای آرای داوری را تقویت می‌کند و می‌تواند منجر به طولانی شدن فرایند اجرایی و افزایش هزینه‌ها شود. چالش دوم، به تعریف و تفسیر «نظم عمومی» در کشورهای مختلف بازمی‌گردد. هرچند کنوانسیون نیویورک برای محدود کردن موارد امتناع از اجرای آرای داوری تلاش کرده، اما تفاوت در برداشت قضات از نظم عمومی موجب ناهمگونی در اجرای تعهدات شده است. این مسئله به‌ویژه در قراردادهای الکترونیکی که حاوی اطلاعات حساس و فناوری‌های نوین هستند، اهمیت مضاعف پیدا می‌کند. بنابراین، ایجاد وحدت تفسیر میان دادگاه‌ها و نهادهای داوری، از طریق پروتکل‌ها و راهنمایی‌های الزام‌آور، ضروری به نظر می‌رسد.

همچنین، خلأهای فنی و حقوقی، به‌ویژه در حوزه قراردادهای هوشمند و فناوری بلاک‌چین، محدودیت‌های دیگری ایجاد کرده‌اند. معاهدات موجود عمدتاً قراردادهای سنتی و مبتنی بر داده پیام را پوشش می‌دهند و به صراحت به قراردادهای خوداجرا یا مبتنی بر الگوریتم اشاره نکرده‌اند. این خلأ، تفسیر اراده طرفین، زمان تحقق تعهدات و مسئولیت در صورت نقص اجرای خودکار را با ابهام مواجه می‌کند و می‌تواند باعث ایجاد اختلافات در داوری بین‌المللی شود. بنابراین، یکی از محورهای ارتقاء کارآمدی معاهدات، اصلاح و بازنگری برای شمول فناوری‌های نوین و قراردادهای هوشمند است. یکی دیگر از

محورهای کلیدی، مسئله احراز هویت و اصالت اسناد دیجیتال است. با وجود قابلیت‌های فنی مانند امضای دیجیتال و رمزنگاری نامتقارن، فقدان استانداردهای جهانی و سازوکارهای شناسایی متقابل مانع از پذیرش یکنواخت اسناد دیجیتال در دادگاه‌ها و نهادهای داوری می‌شود. این موضوع به‌ویژه در داوری‌های فرامرزی اهمیت پیدا می‌کند، زیرا طرفین ممکن است از نظام‌های حقوقی و فنی مختلف استفاده کنند و اختلاف در ارزیابی اصالت اسناد، مانع اجرای رأی گردد.

با توجه به تعامل و همپوشانی معاهدات، تحلیل نشان داد که ایجاد شبکه منسجم از قوانین و مقررات می‌تواند شکاف‌های موجود را کاهش دهد. به‌عنوان مثال، ترکیب بیع بین‌المللی کالا با قانون نمونه آنسیترال و مقررات منطقه‌ای نظیر احراز هویت دیجیتال، همگرایی کارکردی ایجاد کرده و امکان اجرای یکنواخت تعهدات در سطح فرامرزی را افزایش می‌دهد. این همگرایی نه تنها موجب تقویت امنیت حقوقی طرفین می‌شود، بلکه باعث کاهش احتمال اختلافات ناشی از تفاوت نظام‌های ملی خواهد شد.

در راستای ارتقای کارآمدی معاهدات، پیشنهادهای متعددی مطرح شد. نخست، اصلاح و به‌روزرسانی معاهدات برای شمول قراردادهای دیجیتال و هوشمند. دوم، تدوین پروتکل‌های هماهنگی برای تفسیر یکنواخت مفاهیم کلیدی مانند نظم عمومی و موافقتنامه کتبی. سوم، ایجاد استانداردهای بین‌المللی برای احراز هویت و اصالت اسناد دیجیتال. چهارم، توسعه پایگاه‌های داده و مکانیزم‌های نظارت بین‌المللی برای رصد اجرای معاهدات و داوری‌ها. پنجم، هماهنگی میان قوانین ملی و معاهدات بین‌المللی به منظور ایجاد امنیت حقوقی یکنواخت. تحقق این پیشنهادها، زمینه‌ای برای کاهش تعارض‌ها، پرکردن خلأهای حقوقی و فنی و تقویت اعتماد طرفین در معاملات فرامرزی فراهم می‌آورد.

در جمع‌بندی نهایی و پاسخ پژوهش به وضوح نشان می‌دهد که معاهدات بین‌المللی، اگرچه نقش مؤثری در حمایت از تعهدات قراردادی و اجرای آرای داوری دارند، بدون همگرایی، استانداردسازی و به‌روزرسانی، قادر به رفع کامل چالش‌ها و خلأهای موجود نیستند. برای ایجاد یک نظام حقوقی کارآمد در تجارت الکترونیک فرامرزی، لازم است رویکردی کارکردی و عملیاتی اتخاذ شود که نه تنها از نظر حقوقی معتبر باشد، بلکه قابلیت اجرایی در فضای دیجیتال، هماهنگی میان نظام‌های ملی و ضمانت اجرای آرای داوری را فراهم سازد. با اجرای چنین رویکردی، معاهدات بین‌المللی می‌توانند به ستون‌های مطمئن حمایت از تعهدات قراردادی در سطح جهانی تبدیل شوند و اعتماد فعالان اقتصادی را تقویت کنند.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- اخباری، الهه و قربانیان، حسین، ۱۳۹۹، جایگاه مقر و محل داوری در داوری تجاری بین‌المللی، **فصلنامه**

تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۴۵.

- توکلی، زهرا و طبایی، مهشید، ۱۳۹۴، اعتبار حقوقی داوری اینترنتی در تجارت بین‌المللی، **فصلنامه**

تحقیقات حقوقی بین‌المللی، شماره ۲۸.

- دیباfer، سهیلا، ۱۳۹۹، داوری تجاری بین‌المللی و آیین آن، **فصلنامه حقوق ملل**، شماره ۴۰.

- علومی یزدی، حمیدرضا، ۱۳۹۰، احراز تعهد ضمنی در معاهدات بین‌المللی: بازخوانی دو رای دیوان داوری

دعای ایران-ایالات متحده، **فصلنامه پژوهش حقوق عمومی**، شماره ۳۳.

- فقیه میرزائی، سلمان، ۱۳۹۲، داوری الکترونیکی (آیین رسیدگی و اعتبار آراء)، **فصلنامه پژوهش‌های**

حقوق خصوصی، شماره ۱.

- قاسمیان اوجی، مهدی؛ کردلوئی، حمیدرضا؛ شاهرودیانی، شادی، ۱۴۰۳، ارائه مدل نوین انتقالات مالی

بین‌المللی، **فصلنامه دانش سرمایه‌گذاری**، شماره ۶۱.

- قائم فرد، سیدمحسن و حیدریان دولت آبادی، محمدجواد، ۱۳۹۷، بررسی تطبیقی اسناد در قانون تجارت

الکترونیکی ایران ۱۳۸۲ و قانون نمونه آنستیرال ۱۹۹۶، **فصلنامه تحقیقات حقوقی معاهده**، شماره

۴.

- قلی‌نیا، رضا، ۱۴۰۰، قلمرو دکترین خرق حجاب و گروه شرکت‌ها در صدور آراء داوری تجاری بین‌المللی،

ماهنامه حقوق داوری، شماره ۲۴.

- کاتوزیان، ناصر، ۱۴۰۴، **اعمال حقوقی**، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات گنج دانش.

- مافی، همایون؛ رامشی؛ میثم؛ باقری، علی، ۱۳۹۴، **تعسر اجرای تعهدات قراردادی در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی**، شماره ۱۰.
- مالکی، محمدرضا و شیروی، عبدالحسین، ۱۳۹۹، **رویکرد کنوانسیون نیویورک در خصوص شناسایی و اجرای آرای داوری الکترونیک (رویکرد تطبیقی قانون تجارت الکترونیک ایران و قوانین ملی کشورهای معاهد کنوانسیون)**، **دوفصلنامه حقوق تطبیقی**، شماره ۱۴.
- معین، فاطمه و حسینی، مینا، ۱۳۹۴، **مطالعه تطبیقی سیستم‌های حقوقی در مورد شناسایی و اجرای آرای داوری بین‌المللی، فصلنامه حقوق ملل**، شماره ۲۰.
- هاشمی، سهیلا؛ مرادی، مریم؛ عسگرخانی، ابومحمد، ۱۴۰۱، **کنوانسیون‌های بین‌المللی در ارتباط با داوری‌های الکترونیکی، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی**، شماره ۵۰.

لاتین

- Balcerzak, Adam P et al., 2022, Blockchain technology and smart contracts in decentralized governance systems, *Administrative Sciences* 12.3.
- Berg, Albert Jan van den, 2017, *The New York Arbitration Convention of 1958: towards a uniform judicial interpretation.*
- Bernal, Victoria, 2021, The cultural construction of cybersecurity: digital threats and dangerous rhetoric, *Anthropological Quarterly* 94.4.
- Blythe, Stephen E., 2005, Digital signature law of the United Nations, European Union, United Kingdom and United States: Promotion of growth in E-commerce with enhanced security, *Richmond Journal of Law & Technology* 11.2.
- Born, Gary, 2021, *International commercial arbitration: commentary and materials.* Brill.
- Coetzee, Juana, 2006, The convention on the use of electronic communications in international contracts: creating an international legal framework for electronic contracting, *SA Mercantile Law Journal* 18.3.
- Cortés, Pablo, 2010, *Online dispute resolution for consumers in the European Union.* Taylor & Francis.
- EU Regulation, No 910/2014
- Fiorentino, Stefania, and Silvia Bartolucci, 2021, Blockchain-based smart contracts as new governance tools for the sharing economy, *Cities* 117.
- Gabriel, Henry D., 2006, The united nations convention on the use of electronic communications in international contracts: an overview and analysis, *Unif. L. Rev.* ns 11.
- ICC, 2021, *Note to Parties and Arbitral Tribunals on Possible Measures Aiming at Cybersecurity*

- Lessig, Lawrence, 2009, Code: And other laws of cyberspace. ReadHowYouWant. Com.
- Lawson, Sean T., 2019, Cybersecurity discourse in the United States: Cyber-doom rhetoric and beyond. Routledge.
- Mason, Stephen, 2016, Electronic signatures in law. University of London press.
- Schlechtriem, Peter, and Petra Butler, 2009, UN Law on international sales: The UN Convention on the international sale of goods. Berlin, Heidelberg: Springer Berlin Heidelberg .
- UNCITRAL Model Law on Electronic Commerce, 1996.
- WIPO, 2020, WIPO Arbitration and Mediation Center: Overview of Online Dispute Resolution Services.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.25- Autumn 2025

- Exploring the Possibility of Establishing Crimes Against Humanity from the Unilateral US Sanctions Against Iran
Homayoun Mafi, Morteza Pourazai
- Analysis of Blockchain Based Smart Contracts from the Perspective of the United Nations Convention on Contracts for the International Sales of Goods
Aria Ebrahimi, Sobhan Tayebi
- Artificial Intelligence and the Criminal Law System: An Analysis of Responsibilities and Implications
Hadi Jamshidi Far, Mehdi Jafarian, Roghayeh Jafarian
- Digital Transformation of Criminal Justice in the Light of Digital Justice: The Synergistic Function of Emerging Technologies
Seyed Alireza Mirkamali, Seyed Mostafa Hosseini Dastjerdi
- The Legal Status of Joint Inventions and the Extent of Ownership and Possession of the Inventors in Them
Saeed Molavi, Narjes Darbani Chelche
- Contractual Obligations in Cross-Border E-Commerce and the Challenges of Their Enforcement in International Arbitration with Emphasis on International Treaties
Ehsaneh Vosoughi Monfared, Mohammad Ali Kefaei Far
- An Analysis of the Involvement of Moral Theories in Criminal Law
Iraj Morvati, Saeid Ahmadi, Negin Bahadori jahromi
- The Need to Criminalize the Possession of Miners in Iran (Comparative Study)
Mahdi Rajaeian, Shadi Chegini
- The Relationship between Human Dignity and the Goals of Punishments in Criminal Law
Amirhasan Abolhasani, Sattar Fakhrzai, Zeinab Ghaderi
- Analyzing the Concept of Right to the Child in Imami Narrations: A Critique of the Concept of Custody in Jurisprudence and Family Law
Hojjatollah Dehghani
- Comprehensive Legal System of the National Iranian Oil Company (NIOC) SAHN; a Strategic Transformation in the Intelligent Legal Governance of Iran's Oil Industry
Sayyed Hojjatollah Alamolhoda, Mohammad Mahdi Asadi
- Basic Principles of Insurance and its Consequences on Intention to Cause Damage
Mohammad Kamali, Mohammadali Jahani, Hamidreza Salimi
- Analysis of the Causes of Delinquency Among Children and Adolescents in Iranian Criminal Law
Sayyed Ahmad Peyrovnaziri, Amirreza Mahmoudi
- Examining the Validity and Admissibility of Modern Communication Tools in the Process of Proving Crime in the Iranian Legal System
Alireza Bagheri Hassanabadi
- Criminal Liability of Notaries Public: Analysis of Legal Challenges and Preventive Solutions in the Iranian Registration System
Ayoub Rahimi
- The Concept of Public Interest in the Light of John Stuart Mill's Utilitarianism and Its Comparison with the Thought of Jeremy Bentham
Ahmadreza Soltanian
- Civil Liability for Robots and Artificial Intelligence: Legal Challenges and Solutions in the Age of New Technologies
Jeyran Ebrahimi
- Supportive Policymaking for Women's Victimization in the Family with an Emphasis on New Developments
Mahbobeh Talebi Rostami
- The Impact of Criminal Psychology on Committing Crimes in Iranian and French Law
Vahid Kioumars
- The Responsibility of States for Human Rights Violations by Private Security Companies on Foreign Missions
Mahdi Gharedaqi, Masoud Sarfarazi Saleh
- A Jurisprudential and Legal Study of the Condition for the Return of the Endowment to the Donor's Property
Habibollah Abdollah Poor, Hamidreza Namavar
- An Analysis of the Environmental Crimes of the United States of America and Israeli Aggression against the Islamic Republic of Iran
Javad Cheraghi
- Legal Analysis of the Role of Real Estate Consultants in Preserving Land Ownership Rights and Its Enforcement Challenges in Iran
Mohammad Ahmadi
- The International Criminal Courts Counteraction to the Spread of ISIS Crime
Javad Dashtian
- The Validity of the New York Convention in Iran's International Commercial Arbitration and the Arbitration Agreement with an Emphasis on the Commercial Concept
Ali Babapour Hamrahloo, Pouya Banihashem
- Ownership and Exploitation of Water in the Iranian Legal System
Ahmad Padidar, Yaser Sayyad Poor
- The Right to be Forgotten and its Effects on Contractual Relationships in Public Blockchains; a Comparative Analysis of Data Privacy in Iranian and European Law
Arefeh Ghasem Zadeh Dehabadi
- An Examination of the Legal Nature of Build-Lease-Transfer (BLT) Contract
Ali Zarei Jalalabadi
- The Role of the Lawyer in Preliminary Investigations in the Criminal Procedure Code
Alireza Deraei
- Identifying and Prioritizing Socio-Political Factors Affecting Begging in Zahedan
Mohammad Kamal Dadras
- Civil Liability of the State for Damages Caused by Delayed Proceedings
Ali Farahi
- The Impact of Government Economic Policies on Contractual Freedom in Private Markets
Radmehr Rahmani Golafshan
- A Historical Review of Criminalization of Armed Forces Crimes
Yasser Shakeri